

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The National

آثار تحول آفرین سفر ترامپ به خاور میانه



پل سالم

معاون اندیشکده
موسسه خاورمیانه

سفر اخیر دونالد ترامپ به منطقه خلیج [فارس] علاوه بر تعداد زیادی توافق تجاری و اقتصادی و بیانیه‌های قابل توجه سیاسی، به خودی خود نیز نشانه تحولات مهمی در چشم‌انداز ژئوپلیتیک منطقه بود. نخست اینکه اجتناب از سفر به اسرائیل در یک سفر چندروزه و چندمقصده ترامپ به خاورمیانه، به‌ویژه به عنوان نخستین سفر خارجی، تا حد زیادی بی‌سابقه محسوب می‌شود و نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور آمریکا کشورهای حاشیه خلیج فارس را کانون اصلی منافع و شراکت آمریکا در منطقه می‌داند. تردیدی نیست که اسرائیل همچنان یک متحد و شریک نزدیک باقی می‌ماند، اما نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، اکنون باید از خودش بپرسد که اسرائیل در چارچوب ذهنی ترامپ کجای منافع و اولویت‌های آمریکا قرار گرفته‌است. دوم اینکه بر کسی پوشیده نیست دونالد ترامپ روابط گرمی با اروپای غربی ندارد و بارها نسبت به همکاری‌های امنیتی و اقتصادی با این نقطه جهان شکایت کرده‌است. اینکه ترامپ در دومین دوره ریاست جمهوری‌اش نیز منطقه خلیج [فارس] را به عنوان مقصد سفر خود انتخاب می‌کند، نشان‌دهنده این است که جایگاه این منطقه از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، نسبت به اقتصاد و دولت‌های غرب اروپا اولویت بیشتری دارد. به نظر می‌رسد که اکنون رهبران عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر، نسبت به برخی متحدان سنتی آمریکا در ناتو، اثرگذاری بیشتری بر رئیس‌جمهور آمریکا دارند. سوم اینکه دونالد ترامپ در دومین دوره ریاست جمهوری‌اش بر این نکته تأکید می‌کند که در حال رهبری یک تحول بنیادین در سیاست خارجی آمریکا است. اصول سیاست خارجی او از سیاست خارجی مبتنی بر اتحادهای سیاسی و قدرت بازمانده از جنگ سرد که بر مبنای مواجهه دائمی و ائتلاف‌های نظامی در برابر دشمنان تقریباً همیشگی ایجاد شده‌است به سمت سیاست خارجی غیرایدئولوژیک، بازگانی هستند، مخالف جنگ‌های طولانی و سیاست مبتنی بر برده‌بستان میل می‌کند. این سیاست جدید ائتلاف‌های بزرگ و نظام‌های مواجهه را به نفع منافع تعریف‌شده دقیق آمریکایی به‌ویژه در حوزه اقتصاد، کنار می‌گذارد. این موضوع را تهران و مسکو باید به خوبی مطالعه کنند، هیچ‌یک از دو پایتخت نمی‌توانند ادعا کنند که ترامپ خصومت عمیق ایدئولوژیک یا بلندمدت علیه دولت‌های آنها دارد. این دیدگاه ترامپ به او اجازه می‌دهد که همزمان با اینکه احمدالشرع، رئیس‌جمهور [انتقالی] سوریه را به رسمیت می‌شناسد و به رهبر معظم ایران شاخه زیتون تعارف می‌کند، با نتانیاهو هم نزدیک باشد. هر چند این سفر ارتباط مستقیمی به گفت‌وگوهای ایران و آمریکا نداشت، اما باعث شد که گشتاور مثبتی برای این گفت‌وگوها ایجاد شود. رئیس‌جمهور آمریکا چند روز را به رهبران منطقه خلیج [فارس] گذراند که اکنون همگی روابط گرمی با تهران دارند و به او توصیه می‌کردند به دنبال راه‌حلی از طریق مذاکره باشند و مسیر جنگ را انتخاب نکنند. ترامپ به وضوح گفت که دنبال یک راه‌حل برد-برد است و دنبال یک دشمن ایدئولوژیک نیست. تردیدی وجود ندارد که آسیب شدید به شبکه نیابتی ایران در منطقه به این موضوع کمک کرده و اقتصاد ایران آسیب شدیدی دیده و کاهش قیمت نفت هم فشار را بر ایران بیشتر کرده‌است. دونالد ترامپ دو جاه‌طلبی بزرگ برای منطقه دارد: نخست اینکه توافقی‌های ابراهیم را توسعه دهد و دوم اینکه یک توافق پایدار بین ایران و آمریکا ایجاد کند. این دو هدف اگر به نتیجه برسند، می‌توانند آثار قابل توجه تحول آفرینی بر منطقه بر جا بگذارند. یک توافق هسته‌ای بین ایران و آمریکا بیش از پیش محتمل به نظر می‌رسد، گسترش توافقی‌های ابراهیم کاملاً آماده‌چیدن محصول است اما نیازمند یک رهبری جدید در اسرائیل خواهد بود. در همین احوال آقای ترامپ روابط سیاسی و اقتصادی با اثرگذاری در ابعاد جهانی با دولت‌های کلیدی منطقه خلیج [فارس] ایجاد کرد. این رهبران می‌توانند شرکای موثر آمریکا در رسیدن به نقطه عطفی باشند که برای ایجاد یک خاورمیانه واقعاً سراسر از صلح، یکپارچگی و رونق اقتصادی ضروری است.

دیپلماسی

DIPLOMACY



نگاه
هم‌میهن

یک رابطه نسبتاً عادی

ایران و عربستان سعودی مصالحه را به مواجهه ترجیح می‌دهند



کنس: President

در هیچ‌یک از مناطق و کشورهای که در آن با یکدیگر رقابت می‌کنند، حل و فصل شده‌باشند. در واقع گروه‌های متحد ایران و عربستان در نقاط حساس منطقه، همچنان با یکدیگر در حال رقابت هستند، اما به نظر می‌رسد با کاهش سردی روابط تهران و ریاض، این رقابت‌ها شکل سالم‌تر و کم‌تنش‌تری به خود گرفته‌است. شواهد نشان می‌دهد که رهبران دو کشور از گروه‌های متحد خود در منطقه خواسته‌اند که از مواجهه خشونت‌آمیز با یکدیگر پرهیز کنند. در عین حال برخی از تحولات دیگر منطقه، از جمله جنگ یک‌ساله حزب‌الله با اسرائیل که نهایتاً با ترور تعداد زیادی از فرماندهان و رهبران این گروه به آتش‌بس ختم شد و سقوط بشار اسد، باعث شده‌است که برخی از نقاط تعارض منافع ایران و عربستان سعودی به دلیل تلفات جانبی جنگ غزه موقتاً خاموش بمانند.

دوران وصال

مذاکرات برای عادی‌سازی روابط ایران و عربستان، از فروردین ۱۴۰۰ در ماه‌های پایانی دولت دوم حسن روحانی با میانجی‌گری عراق آغاز شده بود. نخستین بار روزنامه فایننشال تایمز پرده از این مذاکرات محرمانه برداشت. این مذاکرات بعد از چند دور متوقف شد، اما بار دیگر در دوره ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی، بهار سال ۱۴۰۱ پس از ۷ ماه توقف از سر گرفته شد. در تاریخ یک اردیبهشت به تدریج با انتشار تصاویری از نمایندگان دو کشور در بغداد، یعنی امیرسید ایرانی، معاون وقت دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و خالد حمیدان، رئیس دستگاه اطلاعات عمومی عربستان سعودی، در کنار مصطفی کاظمی، نخست‌وزیر وقت عراق، نشان داد که مذاکرات در حال جدی‌تر شدن است. روشن نیست که چگونگی فرآیند میانجی‌گری میان ایران و عربستان از عراق به چین منتقل شد، اما نهایتاً اسفند ۱۴۰۱، علی شمخانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران و مساعد بن محمد العیسان، مشاور امنیت ملی عربستان سعودی در نشستنی از قبل اعلام نشده، با حضور وائگ ئی، دیپلمات ارشد جمهوری خلق چین، آغاز فرآیند عادی‌سازی روابط میان دو کشور را اعلام کردند. از همان زمان فرآیند معرفی سفرای دو کشور و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک میان تهران و ریاض آغاز شد. پاییز سال گذشته، سیدعباس عراقچی در سفری به عربستان سعودی با محمد بن سلمان، ولیعهد و حاکم بالفعل این کشور دیدار کرد و فروردین ماه امسال نیز، وزیر دفاع سعودی به تهران سفر کرد. در طول این مدت مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور اسلامی ایران دو بار با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی تلفنی گفت‌وگو کرده‌است و در سفر وزیر دفاع عربستان به تهران، دعوتنامه‌ای برای سفر رسمی به عربستان سعودی دریافت کرده‌است. هر چند هنوز مشخص نیست که چنین سفری چه زمانی انجام خواهد شد، اما دیدار رئیس‌جمهور ایران با رهبران عربستان سعودی می‌تواند گام بلندی در راستای تقویت روابط دو جانبه باشد.

حمایت از توافقی بالقوه با آمریکا

کارشناسان معتقدند که سیاست کشورهای عربی منطقه نسبت به مذاکرات هسته‌ای ایران به شکل چشمگیری نسبت به مذاکرات برجام تغییر کرده‌است. علی‌واظ، پژوهشگر اندیشکده گروه بین‌المللی بحران به میدل ایست‌ای می‌گوید: «رهبران خلیج [فارس] به صورت گسترده‌ای از مذاکرات میان دولت ترامپ و ایران حمایت می‌کنند، چرا که نمی‌خواهند در صورت تشدید تنش منطقه با شکست مذاکرات، در میانه میدان جنگ قرار بگیرند. البته این حمایت کشورهای عربی الزاماً باعث موفقیت مذاکرات نخواهد می‌شود.» به نوشته میدل ایست‌ای، سفر ترامپ به منطقه به خوبی نشان داد که تا چه اندازه کشورهای منطقه به شکل متحد از یک توافق هسته‌ای با ایران حمایت می‌کنند. فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان سعودی چهارشنبه هفته گذشته تأکید کرد که پادشاهی سعودی از مذاکرات «کاملاً حمایت می‌کند.» بن فرحان تصریح کرد: «اگر برای مثال آمریکا و ایران بتوانند به صورت موفقیت‌آمیز به مذاکرات هسته‌ای پایان دهند، مخاطره بسیار بزرگی را از روی دوش منطقه برداشته‌اند و مسیر وسیع‌تری را برای همکاری‌های بیشتر، یکپارچگی گسترده‌تر در منطقه و همکاری و تجارت و سرمایه‌گذاری وسیع‌تر در منطقه باز می‌کنند.» به نوشته میدل ایست‌ای، نتیجه‌گیری صحبت‌های فیصل بن فرحان بیش از هر چیز با این هدف بیان شده‌است که غریز کاسب‌کارانه ترامپ را تحت تأثیر قرار دهد.

کنسر سیوم غنی‌سازی خلیج فارس

هر چند نخستین بار نیست که ایده همکاری‌های هسته‌ای در منطقه با محوریت برنامه غنی‌سازی ایران مطرح می‌شود، اما در سال‌های اخیر و به‌ویژه در دور جدید گفت‌وگوهای ایران و ایالات متحده آمریکا، این ایده، بار دیگر مورد توجه قرار گرفته‌است. ایده تشکیل یک کنسر سیوم غنی‌سازی اورانیوم برای حل و فصل نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران، بیش از دو دهه قدمت دارد، اما در دوره جدید با توجه به توسعه برنامه هسته‌ای برخی کشورهای منطقه، از جمله عملیاتی شدن نیروگاه هسته‌ای براکه در امارات متحده عربی، قراردادهای متعدد عربستان سعودی برای تأسیس نیروگاه‌های هسته‌ای با چین و روسیه و مذاکرات این کشور با آمریکا برای یک توافق جامع هسته‌ای و گمانه‌زنی‌ها در مورد کمک‌پکی به ریاض برای ایجاد یک برنامه غنی‌سازی بومی در خاک این کشور بار دیگر این ایده مورد توجه قرار گرفته‌است.

مقام‌های ایران در مورد مطرح شدن این ایده در مذاکرات با آمریکا پاسخ‌های مبهمی ارائه داده‌اند. مجید تخت‌روانچی، معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای، یک‌شنبه در حاشیه مجمع گفت‌وگوی تهران گفت: «ما (ایران) در مورد کنسر سیوم هسته‌ای صحبتی نکرده‌ایم ولی

سال ۱۳۷۸ سلطان بن عبدالعزیز، وزیر دفاع فقید سعودی بود. در طول سال ۱۴۰۳ تجارت غیرنفتی میان ایران و عربستان به میزان ۶۴۰۰ درصد رشد کرد که البته هر چند رشد بسیار بزرگی بود، اما به دلیل ناچیز بودن میزان تجارت در سال‌های قبل کل میزان تجارت ایران و عربستان در سال ۱۴۰۳ به ۲۵ میلیون دلار رسید. در تازه‌ترین تحول امسال پس از یک دهه برای نخستین بار خطوط هوایی سعودی هواپیماهای خود را برای فرآیند انتقال ججاج ایرانی به عربستان سعودی، به ایران اعزام کردند. همه این تحولات هر چند گام‌هایی بسیار کوچک و در ابعاد مینیاتوری از یک رابطه حسنه است، اما نشان می‌دهد که روابط دو کشور هر چند به کندی، اما به صورت مستمر در حال بهبود است.

پاییز سال گذشته، پس از سفر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به عربستان سعودی، دو کشور اعلام کردند که یک تمرین نظامی مشترک با حضور ناوهای دو کشور در آب‌های دریای عمان انجام داده‌اند. هر چند جزئیات زیادی در مورد این آزمایش مشترک چندجانبه با حضور ایران و عربستان منتشر نشد، اما نفس این اقدام نشان‌دهنده عزم دو طرف برای توسعه همکاری‌ها حتی در حوزه دفاعی بود.

رقابت‌سالم

به نظر می‌رسد که ضرورت‌های ژئوپلیتیک و وضعیت سیاسی هر دو کشور در طول سال‌های اخیر باعث شده‌است که ایران و عربستان عزم خود را برای کاهش تنش در روابط جزم کنند. عربستان سعودی، تحت حاکمیت سلمان بن عبدالعزیز و فرزندش محمد بن سلمان، یک دوره سیاست تهاجمی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ در پیش گرفت که ماجراجویی‌های گسترده منطقه‌ای شامل جنگ با یمن، قطع روابط با ایران، محاصره اقتصادی و دیپلماتیک قطر، گروگان‌گیری نخست‌وزیر لبنان، همکاری با امارات متحده عربی برای سرکوب گروه‌های نزدیک به اخوان المسلمین در کشورهای منطقه، قتل‌های بدون محاکمه فرامرزی، رایزنی پشت پرده برای توقف اجرای توافقی هسته‌ای ایران (برجام) و همکاری نزدیک با دولت نخست دونالد ترامپ برای اعمال فشار حداکثری علیه ایران می‌شد. با این حال انباشت هزینه‌های این سیاست تهاجمی در کنار آبدیده‌تر شدن محمد بن سلمان در مقام حاکم بالفعل سعودی در عالم سیاست، باعث شد ریاض به تدریج به این نتیجه برسد که هزینه استمرار این سیاست‌ها نسبت به منافع آن بسیار بیشتر است. در برابر، ایران نیز که به تجربه دریافته‌بود نادیده انگاشتن قدرت‌های منطقه‌ای در مذاکرات برجام و رویکرد تهاجمی در کشورهای محل رقابت با عربستان سعودی مانند لبنان و سوریه، چه هزینه‌های سنگینی در بار دارد، به تدریج تلاش کرد بار در پیش گرفتن سیاست اولویت دادن به همسایگان، تنش‌های خود را با کشورهای منطقه کاهش دهد.

به نظر نمی‌رسد که اختلاف‌های ژئوپلیتیک ایران و عربستان

سیدحسین موسویان
و فرانک فن هپیل
اکتبر ۲۰۲۳ در بولتن
دانشمندان هسته‌ای
نوشتند: انگیزه‌ها در
منطقه خاورمیانه برای
ایجاد برنامه غنی‌سازی
اورانیوم به هیچ عنوان
مبنای اقتصادی

ندارد. هیچ‌یک از
برنامه‌های غنی‌سازی
در ابعاد کوچک،
از لحاظ اقتصادی
به صرفه نیستند.
برنامه‌های غنی‌سازی
کوچک‌تر نمی‌توانند با
تامین کنندگان بزرگ
رقابت کنند. حتی
ایالات متحده آمریکا
هم برنامه‌هایش برای
کمک به ایجاد برنامه
غنی‌سازی اورانیوم
در داخل خاک
آمریکا را در ارزیابی
رقابت بین‌المللی کنار
گذاشت

